

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه مباحث گذشته

بر اساس آنچه در روایت عمار بن موسی ساباطی نسبت به استثناء اول آمده بود گفتیم اولاً سند روایت تمام بوده و ثانیاً دلالت آن بر مدعا فی الجملة تام و کافی است به این بیان که روایت می‌گوید اگر کسی در وقت زوال در وطن باشد و سپس بعد از وقت زوال خارج شود اولاً نافله ظهر را در سفر می‌تواند بخواند و ثانیاً نماز ظهر را باید قصر بخواند.

تعلیل «لِأَنَّهُ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ قَبْلَ أَنْ تَحْضُرَ الْأُولَى» در روایت دلالت داشت که باید نماز ظهر را قصر خواند و ظاهر آن قبل از فراسیدن وقت نماز ظهر است. اشکال این است که روایت مذکور دلالت می‌کند وقت زوال، وقت نماز ظهر نیست.

اما گفتیم شاید مراد از تعبیر مذکور «من قبل أن تقيم الأولى» باشد یعنی قبل از این‌که نماز ظهر را بخواند خارج شده‌است. لذا چون در حضر نخوانده و در سفر می‌خواند ملاک هم همان وقت امتثال است نه تعلق وجوب، در نتیجه ممکن است بگوئیم ابتدای زوال به نحو اختصاص لولایی مختص به نافله است؛ یعنی اگر کسی نماز ظهر را در آن زمان خواند اشکال نداشته و تا یک قدم وقت فضیلت نماز ظهر است. اما اگر کسی نماز ظهر را نخواند و ابتدا نافله را خواند، نافله مقدم بر وقت ظهر است.

به بیان دیگر می‌توان از روایت استفاده نمود که فضیلت اول مختص به نافله بوده و زمانی‌که خواندن نافله تمام شد فضیلت نماز ظهر شروع می‌شود. اما از آن‌جا که از روایت تعیین استفاده می‌شود، حمل آن بر وقت فضیلت مشکل و بسیار خلاف ظاهر است.

در نتیجه اگر ظاهر روایت را أخذ نموده و بگوئیم فاعل «تحضر» وقت است، دو مشکل اساسی وجود دارد: الف- این برداشت خلاف روایات مستفیضه‌ای است که وقت نماز ظهرین را از زوال قرار داده‌است. ب- مخالف تسالمی است که ملاک در قصر و اتمام را وقت امتثال می‌داند نه وقت وجوب.

ادامه بررسی استثناء اول

اما اگر خلاف ظاهری مرتکب شده و تعبیر «تحضره» را به عمل معنا نموده و بگوئیم مقصود قبل از این‌که ظهر را ایتان و امتثال نماید است، شاید اشکال شود که چگونه امکان دارد نماز در سفر چهار رکعت باشد؟ در پاسخ شاید گفته شود چون در زمان وجوب، انجام نماز چهار رکعتی به این شخص تعلق پیدا کرده بود.

در حالی‌که درست این است که بگوئیم مقصود امام (علیه‌السلام) از تعبیر «يُصَلِّي بَعْدَ النَّوَافِلَ» این است که وقتی این شخص نماز ظهر را در حضر چهار رکعت بخواند چون بلافاصله وقت فضیلت نافله عصر شروع می‌شود پس باید نافله عصر را بخواند.

هر چند این حمل خلاف ظاهر روایت است اما بهتر از مطالب سابق که بر آن‌ها اشکالات متعددی وارد بود.

البته برخی بزرگان مقصود از تعبیر مذکور را نافله ظهر معنا نموده و می‌گویند: یکی از اشکالات وارده به روایت این است که نافله ظهر باید بعد از نماز ظهر خوانده شود. با توجه به مطالبی که بیان شد ظاهراً این برداشت صحیح نیست چون مفروض روایت این است که قبل از نماز ظهر نافله آن را خوانده و بعد از آن نوبت به نافله عصر می‌رسد نه نافله ظهر.^[1]

نکته‌ای در مورد عمار بن موسی سابطی وجود دارد مبنی بر این‌که وقتی در رجال از وی یاد می‌شود او را شخصی که اضطراب در حدیث دارد می‌دانند. لذا به جهت وجود اضطراب در حدیث باید در روایاتی که توسط ایشان نقل شده‌است به نقل مسلم اکتفا شود کما این‌که در مسئله محل بحث نیز باید بگوئیم قدر مسلم این است که اگر وقت زوال شد و نافله را نخواند می‌تواند نافله را در سفر بخواند و مدعای مرحوم سید (ره) با همین مقدار اثبات خواهد شد.

به بیان دیگر زمانی‌که قائل به تفکیک در حجیت روایات شده و گفتیم هر چند بخشی از روایت قابل عمل نیست اما به بخش دیگر می‌توان عمل نمود، در مورد روایت محل بحث نیز می‌گوئیم اگر مقصود از تعبیر «يُصَلِّي الْأُولَى» در سوال دوم خواندن چهار رکعت نماز ظهر در سفر باشد که قابل عمل نیست اما قدر متیقن از سوال اول مدعای مرحوم سید (ره) را اثبات می‌کند لذا به نظر ما استثناء اول در کلام ایشان قابل قبول است.

مبنای تبعیض و تفکیک در حجیت روایات این است که اگر روایتی چند قسمت دارد و برخی از آن‌ها مخالف با اجماع بوده و مواجه با مانع است دلیلی وجود ندارد که از آن قسمت بدون معارض آن دست بکشیم برای این‌که کل روایت حجت است. بلکه اگر روایتی یک مدلول داشت و همین یک قسمت دچار تناقض یا وجود مانع بود باید کنار گذاشته شود.^[2]

بررسی مورد دوم

استثناء دومی که مرحوم سید (ره) در عروه ذکر نموده اما مرحوم امام (ره) آن را مطرح ننموده‌اند این است که «لا یبعد جواز الإتيان بنافلة الظهر في حال السفر إذا دخل عليه الوقت و هو مسافر و ترك الإتيان بالظهر حتى يدخل المنزل من الوطن أو محل الإقامة و كذا إذا صلى الظهر في السفر ركعتين و ترك العصر إلى أن يدخل المنزل لا يبعد جواز الإتيان بنافلتها في حال السفر و كذا لا يبعد جواز الإتيان بالوتيرة في حال السفر إذا صلى العشاء أربعاً في الحضر ثم سافر فإنه إذا تمت الفريضة صلحت نافلتها.»^[3] این استثناء عکس مورد قبل بوده و سه فرض دارد:

فرض اول: اگر شخص در سفر است و هنوز به حد ترخص شهر خود نرسیده اذان می‌گویند و این شخص می‌خواهد نماز را در وطن و علی القاعده تمام بخواند اما در عین حال این شخص می‌تواند قبل از حد ترخص و در سفر نافله نماز ظهر را بخواند.

فرض دوم: اگر کسی در سفر نماز ظهر را قصر خواند اما قصد دارد نماز عصر را در وطن بخواند، می‌تواند قبل از حد ترخص نافله عصر را بخواند.

فرض سوم: از آن‌جا که مرحوم سید (ره) قائل به این است که ویتره مانند باقی نمازهای نافله در سفر ساقط است می‌فرماید: اگر کسی نماز عشاء را در وطن خواند و سپس به مسافرت رفت بعید نیست که بتواند ویتره را در حال سفر بخواند. و الا اگر کسی نماز عشاء را نخواند و به سفر رفت طبق مبنای ایشان نمی‌تواند ویتره را بخواند.

مرحوم سید (ره) برای تمام فرض‌های مذکور یک تعلیل آورده و می‌فرماید: «إذا تمت الفريضة صلحت نافلتها.» اگر فريضة به صورت تمام خوانده شد نافله صحيح است.

در فرض اول این شخص در سفر بوده و قبل از حد ترخص می‌داند نماز را در وطن می‌خواهد بخواند پس نافله را می‌تواند در سفر بخواند چون قرار است فريضة را تام بخواند.

در فرض دوم نیز هر چند نماز ظهر را شکسته خوانده‌است اما در عین حال قصد دارد نماز عصر را وطن تمام بخواند لذا می‌تواند نافله عصر را در سفر بخواند. در فرض سوم نیز چون نماز عشاء را در وطن به صورت تمام خوانده‌است پس می‌تواند نافله آن را در سفر بخواند.

مدرک استدلال مذکور روایت ابی یحیی حناط است که پیش از این مورد بررسی قرار گرفت. «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ صَلَاةِ النَّافِلَةِ بِالنَّهَارِ فِي السَّفَرِ فَقَالَ يَا بُنَيَّ لَوْ صَلَّحْتَ النَّافِلَةَ فِي السَّفَرِ تَمَّتِ الْفَرِيضَةُ.» از امام صادق (علیه‌السلام) سوال می‌شود که من نافله نهاریه - ظهر و عصر - را می‌توانم در سفر بخوانم یا خیر؟! حضرت در پاسخ می‌فرماید: اگر نافله در سفر درست باشد باید نماز هم تمام باشد.^[4]

به بیان دیگر مرحوم سید (ره) از تعبیر مذکور در روایت قصد دارند ملازمه‌ای را استفاده نموده و بفرماید: بین قصد تمام خواندن یا خواندن نماز فريضة و خواندن نافله ملازمه وجود دارد.

بررسی کلام محشین عروة الوثقی

محشین عروه می‌فرماید: تعلیل مذکور، تعلیل صحیحی نیست. مثلاً مرحوم حکیم (ره) می‌فرماید: اگر عکس تعبیری که در روایت وجود دارد را در نظر بگیریم باید بگوئیم «إذا تمت الفريضة صلحت النافلة.» اما اگر عکس نقیض آن را در نظر بگیریم باید بگوئیم «إذا لم تتم الفريضة لم تصلح النافلة» یعنی اگر فريضة تماماً صحيح نباشد نافله نیز صحيح نیست. این شخص که قبل از حد ترخص در سفر است باید فريضة را به صورت قصر بخواند پس نباید نافله را بخواند پس عکس نقیض روایت خلاف مدعای شما را اثبات می‌کند.

مرحوم بروجردی (ره) نیز می‌فرماید: «هذا التعليل ضعيف إذ قولهم (عليهم السلام) لو صلحت النافلة لتمت الفريضة إنما يدلّ على أنَّ صلاحية النافلة مستلزمة لتمام الفريضة لا العكس و الأقرب السقوط في الفروض المذكورة.» مرحوم سید (ره) ملازمه را در عکس متوجه شده‌است یعنی هر جا فريضة تمام شد نافله صحيح است. در حالی که مقصود امام (علیه‌السلام) عکس این است یعنی هر جا نافله درست باشد فريضة تمام است. به بیان دیگر از روایت عکس ملازمه‌ای که مرحوم سید (ره) استفاده نموده‌اند برداشت می‌شود.^[5]

اما مرحوم خوئی (ره) بیان خیلی روشن‌تری دارند و بدواً نیز همین مطلب به ذهن می‌رسد. ایشان می‌فرماید: فرض تعبیر لو صلحت النافلة لتمت الفريضة در سفر است؛ به این بیان که فرض سوال سائل خواندن نافله نهارین در سفر است. حضرت نیز می‌فرماید: اگر نافله صحيح بود فريضة در سفر تمام بود.

در حالی که مرحوم سید (ره) «لتمت الفريضة» را به صورت مطلق معنا نموده‌است یعنی هر جا چه در سفر و چه در حضر فريضة تماماً باشد نافله نیز درست است که قابل تطبیق بر این سه مورد مذکور می‌باشد. در حالی که مقصود روایت فريضة‌ای

است که در سفر خوانده می‌شود. در نتیجه چنین به نظر می‌رسد هر چند اول استثناء قابل قبول است اما مورد دوم را نمی‌توان پذیرفت.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1]. «لم يعلم وجه تقديم الفريضة الرباعية في السفر، على نوافلها حيث قال: ثم يصلى بعد النوافل ثماني ركعات، مع أنها متأخرة في الحضر و المفروض أن الإتيان بها رباعية لأجل أنه دخل وقتها و هو في الحضر، فيلزم أن يعامل معها مثل الحضر و من المعلوم أن نوافل الظهر متقدمة على الفريضة في الحضر من غير فرق بين قراءة «بعد» في الحديث مضموماً غير مضاف أو منصوباً مضافاً فتأمل.» ضياء الناظر في أحكام صلاة المسافر، ص: 349.

[2]. برخی از فضلاء درس اشکال می‌کنند که در درس اشکال زیاد مطرح می‌شود. بلکه نباید اشکال طولانی شود اما طرح اشکال و جواب در درس سبب می‌شود مطالب جدید به میدان بحث وارد شود که مفید خواهد بود. در حدود سی سال پیش که در درس استاد بزرگوارمان حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی (دام ظلّه العالی) شرکت می‌کردم در درس اشکال می‌کردم. البته جرأت بر ایراد اشکال در درس ایشان بسیار کم بود و در حال حاضر که متأسفانه چند وقت است که درس تعطیل شده‌است. یکی از پیرمردهای درس ایشان به نام آقای مسلمی کاشانی که فرد ملائی بود یک روز از آن طرف درس به سراغ من آمد و گفت از شما خواهش دارم که اشکال کردن را ترک نکنید ولو افرادی نسبت به شما ان قلت داشته باشند چرا که ما از اشکال و جواب که مطرح می‌شود استفاده می‌کنیم.

[3]. العروة الوثقى (للسيد اليزدي)، ج، ص: 160.

[4]. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ جَمِيعاً عَنْ أَبِي يَحْيَى الْحَنَاطِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ صَلَاةِ النَّافِلَةِ بِالنَّهَارِ فِي السَّفَرِ فَقَالَ يَا بُنَيَّ لَوْ صَلَّحْتَ النَّافِلَةَ فِي السَّفَرِ لَمَتَّ الْفَرِيضَةُ. وسائل الشيعة، ج 4، ص: 82.

[5]. «لفظ الحديث لو صلحت النافلة في السفر لتمت الفريضة و عكس نقيضه يقتضي خلاف المدعى. (الحكيم)... هذا التعليل ضعيف إذ قولهم (عليهم السلام) لو صلحت النافلة لتمت الفريضة إنما يدل على أن صلاحية النافلة مستلزمة لتمام الفريضة لا العكس و الأقرب السقوط في الفروض المذكورة. (البروجردي) العروة الوثقى (المحشى)، ج، ص: 509.